

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده معماری و شهرسازی

پایان نامه تحصیلی جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته معماری

عنوان

طراحی مسکن در بافت تاریخی عودلاجان تهران

استاد راهنما

دکتر بهشید حسینی

استاد مشاور

دکتر علیرضا قلی نژاد پیربازاری

نگارش و تمقیق

طاهره گل گل نیا

اسفند ۱۳۹۲

تعهد نامه

اینجانب **طاهره گل گل نیا** اعلام می دارم که تمام فصل‌های این پایان نامه و اجزاء مربوط به آن برای اولین بار (توسط اینجانب) انجام شده است. برداشت از نوشته‌ها، کتب، پایان‌نامه‌ها، اسناد، مدارک و تصاویر پژوهشگران حقیقی یا حقوقی (فارسی و غیرفارسی) با ذکر مآخذ کامل و به شیوه تحقیق علمی صورت گرفته است.

بدیهی است در صورتی که خلاف موارد فوق اثبات شود مسوئلیت آن مستقیماً به عهده اینجانب خواهد بود.

چکیده

یکی از ویژگی‌های شهرهای گذشته توجه به نقش «فضاهای میانی» است. در این فضاها بیشترین تعاملات اجتماعی ساکنان اتفاق می‌افتد. شهر سنتی به خوبی سه عرصه: خصوصی، عمومی و میانی (نیمه عمومی - نیمه خصوصی) را در ترکیب فضایی محلات از هم مشخص کرده است. قلمروهای نیمه عمومی - نیمه خصوصی حالتی میانی و ثانویه دارد. از سویی در مالکیت ساکنان محله قرار نداشته ولی از سوی دیگر حضور افراد غریبه نیز به آن محدود می‌شود. با نگاهی به محیط‌های مسکونی گذشته و معاصر به روشنی فقدان این نوع رفتار قلمروپایی محلات سنتی را درمی‌یابیم. نبود چنین رفتاری فرصت خلق فضاهای قابل دفاع را از بین می‌برد. فضاهای تعریف نشده و غیر قابل دفاع، احساس آزار رسانی و ناامنی را به وجود می‌آورند و مشوق بروز جرائم اجتماعی‌اند.

موضوع طراحی مسکن در بافت تاریخی عودلاجان تهران از یک سو نیازمند شناخت انسان معاصر و شیوه زندگی اوست و از سوی دیگر طراحی در بستر تاریخی استانداردها و ضوابط طراحی مشخصی را می‌بایست رعایت کند. زمانی این بافت‌ها پذیرای جمعیتی بوده که در آن زندگی می‌کردند ولیکن پیشرفت‌های سریع و جهش‌های ناگهانی فن‌آوری مانع از آن شد که این بافت‌ها بتوانند خود را با سرعت این تغییرات هماهنگ کنند و در نتیجه دچار فرسودگی و آسیب‌های فراوانی شدند. روشی که نگارنده برای مداخله متناسب با اهداف پژوهش و طراحی برگزیده، مبتنی بر حفظ روحیه بافت تاریخی است، به گونه‌ای که هویت فضایی شهر گذشته حفظ ولی نیازهای زندگی در مجموعه‌های زیستی معاصر نیز لحاظ شود.

در مجموع خانه مطلوب در یک مجتمع مسکونی وضعیتی است که ساکنان از زندگی در خانه و مجتمع خود احساس آرامش و از همسایگی با سایر ساکنان رضایت داشته باشند. در این وضعیت، مجموعه شرایط زندگی به نحوی است که با گذشت زمان تعاملات اجتماعی بیشتر می‌شود و اکثریت ساکنان نسبت به محل زندگی خویش تعلق و دلبستگی می‌یابند و در بهبود وضعیت موجود مشارکت خواهند داشت. در این پژوهش «دربند»، «بن‌بست» و «ساباط» که نمونه‌ای از فضاهای ثانویه‌اند، بازخوانی شده و نشان داده خواهد شد، که این فضاها با دارا بودن خاطره محله سنتی ایرانی می‌توانند به عنوان فضاهایی موثر در طراحی مجموعه‌های مسکونی معاصر به کار گرفته شوند.

واژگان کلیدی: مسکن، بافت تاریخی، قلمرو ثانویه، عودلاجان

فهرست

فصل اول

- مقدمه (موضوعات کلی تحقیق)..... ۱
- ۱-۱- مقدمه ۱
- ۱-۱-۱- طرح موضوع در حوزه‌های خاص و عام..... ۲
- ۱-۱-۲- دلیل و اهمیت موضوع پژوهش و طراحی ۶
- ۱-۱-۳- سوالات اصلی و فرعی پژوهش ۷
- ۱-۱-۴- فرضیه‌های پژوهش ۸
- ۱-۱-۵- تعریف مفاهیم اصلی و واژگان ۸
- ۱-۲- محدودیت‌ها و چارچوب موضوع ۱۰
- ۱-۲-۱- توسعه‌های جدید در محدوده‌های تاریخی ۱۰
- ۱-۲-۲- قلمروهای ثانویه ۱۱
- ۱-۳- روش پژوهش ۱۱

فصل دوم

- ۱-۲- مقدمه: مسکن مطلوب ۱۳
- ۲-۲- ادبیات موضوع مسکن ۱۳
- ۱-۲-۲- مسکن در گذر زمان ۱۶
- ۲-۲-۲- مفهوم سکونت ۱۸
- ۳-۲-۲- خانه در مفهوم عام ۲۰
- ۳-۲- مقایسه خانه سنتی با واحد مسکونی معاصر ایرانی و مدرن غربی ۲۷
- ۱-۳-۲- خانه سنتی ایرانی ۲۸
- ۲-۳-۲- واحد مسکونی معاصر ۳۴
- ۴-۲- جمع بندی ۴۴

فصل سوم

- ۳-۱- مقدمه ۴۶
- ۳-۲- ادبیات موضوع مداخله در بافت‌های تاریخی در اروپا ۴۷
- ۳-۲-۱- قطع نامه‌های احیاء بافت ۴۹
- ۳-۳- مداخله در بافت‌های تاریخی شهرهای ایران ۵۴
- ۳-۳-۱- سکونت در محدوده قدیمی شهرهای تاریخی ۵۷
- ۳-۳-۲- معضل فرسایش بافت ۵۹
- ۳-۴- توسعه‌های جدید در محدوده‌های تاریخی (توسعه میان افزا) ۶۱
- ۳-۴-۱- توجه به هویت معماری محله‌های تاریخی ۶۳
- ۳-۵- تجارب مرمت شهری در بافت‌های تاریخی ۶۶
- ۳-۵-۱- مواجهه با بافت فرسوده شهری ۶۷
- ۳-۵-۲- بررسی تجارب عملی اروپا در مرمت شهری ۶۸
- ۳-۵-۳- بررسی تجارب عملی کشورهای آسیایی نزدیک در مرمت شهری ۷۲
- ۳-۵-۴- تجارب داخلی مرمت شهری ۷۵
- ۳-۶- جمع‌بندی ۸۳

فصل چهارم

- ۴-۱- مقدمه (محله مطلوب) ۸۷
- ۴-۲- قلمرو در مفهوم عام ۸۷
- ۴-۳- ساختار شهر سنتی ۹۰
- ۴-۳-۱- محله ۹۱
- ۴-۳-۲- خانه ۹۲
- ۴-۳-۳- ترکیب واحدهای سکونتی، شبکه معابر و شکل بافت ۹۴
- ۴-۴- قلمرو در مجموعه‌های مسکونی ۹۵
- ۴-۴-۱- انواع قلمروهای انسانی ۹۶

- ۹۸.....۲-۴-۴- فضای قابل دفاع.....
- ۹۹.....۳-۴-۴- قلمروهای میانی (ثانویه).....
- ۱۰۲.....۴-۴-۴- مقیاس انسانی.....
- ۱۰۳.....۵-۴-۴- سلسله مراتب.....
- ۱۰۶.....۵-۴- جمع‌بندی.....

فصل پنجم

- ۱۰۸.....۱-۵-۱- جغرافیای استان تهران.....
- ۱۰۸.....۱-۵-۱- موقعیت کشوری.....
- ۱۰۸.....۱-۵-۲- جغرافیای طبیعی و اقلیم.....
- ۱۱۰.....۲-۵-۲- بازشناسی تاریخی تهران.....
- ۱۱۰.....۱-۵-۲- ساختار کالبدی تهران قدیم.....
- ۱۱۲.....۲-۵-۲- اضمحلال بافت تاریخی تهران.....
- ۱۱۳.....۳-۵- سیر تاریخی معماری مسکن تهران.....
- ۱۱۶.....۱-۵-۳- دوران قاجار.....
- ۱۱۹.....۲-۵-۳- دوران پهلوی اول.....
- ۱۲۰.....۳-۵-۳- دوران پهلوی دوم.....
- ۱۲۱.....۴-۵-۳- دوران پس از پایتختی.....
- ۱۲۳.....۴-۵- محله عودلاجان.....
- ۱۲۸.....۱-۵-۴- بررسی‌های تاریخی عودلاجان بر مبنای نقشه‌های تاریخی.....
- ۱۲۹.....۲-۵-۴- تحلیل اثر تغییرات کالبدی عناصر شاخص.....
- ۱۳۰.....۵-۵- سایت طراحی در محدوده عودلاجان میانی.....
- ۱۳۲.....۱-۵-۵- شناسایی سایت.....
- ۱۳۳.....۲-۵-۵- بررسی نقشه‌های تاریخی گذرآقا موسی.....
- ۱۳۵.....۳-۵-۵- وضع موجود سایت طراحی.....

منابع و مأخذ..... ۱۳۶

فهرست جدول

جدول ۱-۱ جمع‌بندی تعاریف مسکن در نگاه پژوهشگران..... ۴۴

جدول ۲-۱ مقایسه ویژگیهای خانه سنتی در مقابل واحدهای مسکونی معاصر..... ۴۵

فهرست تصاویر

تصویر ۳-۱ تصاویری از چی چستر انگلستان قبل و بعد از مداخله..... ۶۹

تصویر ۳-۲ تصویر هوایی از محدوده قدیمی ارگ تاریخی شهر حلب..... ۷۳

تصویر ۳-۳ معابر بافت قدیم و خانه‌های چهار فصل شهر حلب..... ۷۴

تصویر ۳-۴ شهر دمشق..... ۷۴

تصویر ۳-۵: موقعیت شهر شیراز..... ۷۶

تصویر ۳-۶ عکس هوایی محدوده تاریخی شهر شیراز..... ۷۶

تصویر ۳-۷: الگوی ساختار حفاظت و مرمت و معاصر سازی منطقه تاریخی شیراز؛..... ۷۷

تصویر ۳-۸ محور تاریخی فرهنگی محله جلفای اصفهان..... ۷۹

تصویر ۳-۹: تصویر هوایی پهنه تاریخی محله جلفای اصفهان..... ۷۹

تصویر ۳-۱۰ محله جلفای اصفهان، کفسازی و بدنه‌سازی..... ۸۰

تصویر ۳-۱۱ محله جلفای اصفهان، کلیسای وانک..... ۸۰

تصویر ۳-۱۲: تصویر هوایی پهنه تاریخی فرهنگی جویباره اصفهان..... ۸۰

تصویر ۳-۱۳ محور تاریخی فرهنگی جویباره اصفهان..... ۸۰

تصویر ۳-۱۴ نمونه‌هایی از مرمت و بهسازی در محله جویباره اصفهان..... ۸۱

تصویر ۳-۱۵ مسجد جامع شهر یزد..... ۸۳

تصویر ۳-۱۶ میدان و تکیه امیر چخماق شهر یزد..... ۸۳

تصویر ۴-۱ مدل مفهومی تمایز قلمروهای سه‌گانه..... ۹۷

تصویر ۴-۲ بخشی از بافت تاریخی عودلاجان تهران..... ۱۰۰

تصویر ۴-۳ دیاگرام یک دربند..... ۱۰۰

- تصویر ۴-۴-دربند در بافت تاریخی اصفهان ۱۰۰
- تصویر ۴-۵-بخشی از بافت تاریخی عودلاجان تهران ۱۰۱
- تصویر ۴-۶-دیاگرام یک بن بست ۱۰۱
- تصویر ۴-۷-یک بن بست در بافت تاریخی عودلاجان تهران ۱۰۱
- تصویر ۴-۸-بخشی از بافت تاریخی محله فهادان یزد ۱۰۲
- تصویر ۴-۹-دیاگرام یک ساباط ۱۰۲
- تصویر ۴-۱۰-یک ساباط در بافت تاریخی محله فهادان یزد ۱۰۲
- تصویر ۵-۱-موقعیت کشوری و عکس ماهواره‌ای استان تهران ۱۰۸
- تصویر ۵-۲-موقعیت چهار محله و شش دروازه تهران در حصار طهماسبی ۱۲۶
- تصویر ۵-۳-محله عودلاجان در ۱۲۵۸ ه.ق ۱۲۸
- تصویر ۵-۴-محله عودلاجان در ۱۲۷۵ ه.ق ۱۲۸
- تصویر ۵-۵-محله عودلاجان در ۱۳۰۹ ه.ق ۱۲۹
- تصویر ۵-۶-تصویر ماهواره‌ای سایت طراحی ۱۳۲
- تصویر ۵-۸-گذر آقا موسی در ۱۲۷۵ ه.ق نقشه کرشیش ۱۳۳
- تصویر ۵-۹: گذر آقا موسی در ۱۳۰۹ ه.ق نقشه عبدالغفار ۱۳۳
- تصویر ۵-۱۰: گذر آقا موسی در سال ۱۳۳۵ عکس هوایی ۱۳۴
- تصویر ۵-۱۱: گذر آقا موسی در سال ۱۳۴۴ عکس هوایی ۱۳۴

فصل اول

مقدمه (موضوعات کلی تحقیق)

۱-۱- مقدمه

امروزه طراحی «مسکن» یکی از مهم‌ترین موضوعات طراحی معماری است. طراحی محیطی که بتواند آرامش، رضایت، امنیت و راحتی را برای ساکنان آن به ارمغان آورد. با عوض شدن شیوه زندگی، مفهوم و مصداق خانه و سکونت نیز عوض شده است. تغییر شیوه زندگی سنتی به زندگی معاصر همه جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی را تحت تاثیر قرار داده است. «احداث یک خانه پدیده‌ای فرهنگی به شمار می‌آید، شکل و سازمان فضایی آن به شدت تحت تاثیر فرهنگی است که بدان تعلق دارد. حتی از آن زمان که خانه برای بشر اولیه به عنوان سرپناه مطرح بود، مفهوم عملکرد تنها در فایده‌رسانی صرف یا فضای عملکردی محض خلاصه نمی‌شد. وجه سرپناهی خانه به عنوان وظیفه ضمنی، ضروری و انفعالی مطرح بود و جنبه مثبت مفهوم خانه، ایجاد محیطی مطلوب برای زندگی خانواده به مثابه واحد اجتماعی بود» (حائری، ۱۳۸۸: ۴۹).

جامعه تکنولوژیک و مصرفی کنونی به دلیل غلبه عقل‌گرایی و وابستگی به محصولات تکنولوژیک، مفهوم راحتی و آسایش و مصداق‌های آن را در شرایط دیگری می‌پندارد. مفهومی که مصداق‌های جدید آن نقش عمده‌ای در ساختار فضایی مسکن امروزی ایفا می‌کند. این ساختار که جایگزین مفاهیم فرهنگی- آیینی خانه سنتی شده‌اند، مفهوم جدیدی را برای واژه عملکرد تعریف کرده‌اند. عملکرد خانه معاصر از تغییر الگوی خانواده از خانواده‌های بزرگ به خانواده کوچک و به تبع آن تغییر خانه‌ها از خانه‌هایی بزرگ و پر رفت‌وآمد به خانه‌هایی کوچک که راحتی را برای فرد و آن خانواده کوچک فراهم آورد، تقلیل اندازه خانه از چندصد متر به چند ده متر به دلیل مشکلات اقتصادی و بالا بودن قیمت زمین، همچنین زندگی سریع و پر شتاب کنونی که برای داشتن آسایش بیشتر می‌بایست زمان بیشتری صرف کار کردن شود سبب شده است تا خانه به معنای خوابگاه و استراحت صرف شبانه تغییر ماهیت دهد. همچنین این شتاب باعث نزدیک کردن زندگی خصوصی و عمومی و تسهیل رفت و آمد نیز شده است. در سوی مقابل خانه سنتی ایرانی که در آن «حضور همزمان سه‌گونه فضای باز، بسته و پوشیده در خانه؛ وجود نسبت‌های مشخص در هر بنا برای سه‌گونه فضایی باز، بسته و پوشیده؛ وجود طیف متنوع فضا از قلمرو کاملاً خصوصی تا عمومی در خانه؛ امکان تحقق زندگی خصوصی خانواده در هر سه‌گونه فضایی باز، بسته و پوشیده؛ انعطاف‌پذیری فضا در مقابل پویایی شیوه زندگی، رفتارها و حالات انسان و عدم اختصاص فضا به عملکرد خاص؛ فقدان غلبه اشیا بر سازمان فضایی خانه؛ ارتباط با آب و گیاه و درختان و تماشا از طریق ایجاد چشم‌انداز اتاق‌ها به فضای باز خانه تا مشاهده و لمس از نزدیک (حائری، ۱۳۸۸)، را

شامل شده است، موجب شده است تا انسان معاصر، مسکن مطلوب و ایده‌آل خویش را در ترکیبی از تصویر ذهنی و خاطره فضایی خانه سنتی درآمیخته و احیای آن کیفیت و آن کالبد (به ویژه تزئینات و جزئیات) را تمنا نماید. به طور یقین با بازگشت به گذشته نمی‌توان به معماری مسکن سنتی روی آورد. معماری مسکن سنتی مربوط به گذشته می‌باشد و استفاده مجدد از آن با توجه به تغییرات شیوه زندگی معاصر غیر ممکن خواهد بود.

۱-۱-۱- طرح موضوع در حوزه‌های خاص و عام

«سازمان فضایی شهرهای سنتی ایران در روند پیدایش خود همواره تابع منطق مکانی، فرهنگی و اجتماعی بستر خود بوده است. لذا حیات شهر و فضاهاى آن تداومى مبتنى بر زیبایی، خوانایی، عملکرد و هویت داشته است. اثر و انعکاس انقلاب صنعتی و در پی آن مدرنیسم در ایران نقطه عطفی بود در جهت انهدام مانده های گذشتگان به طور اعم مظاهر عینی انقلاب صنعتی در کالبد شهرها تاثیراتی نامانوس و مخرب به جای گذاشت که در نتیجه این تاثیرات آثار فرهنگی به تاراج رفت، ارزش‌های کالبدی شهرهای قدیمی بی‌بها گردید و تجربه‌های دیرینه معماری و شهرسازی این ملت در طول تاریخ، مورد هجوم مظاهر تمدن غرب قرار گرفت» (پورجعفر، ۱۳۸۸). از این رو، بر هم خوردن مناسبات اجتماعی و اقتصادی و تأثیر آن در توسعه کالبدی شهرها از یک سو، رفتار بافت‌های تاریخی را در جریان توسعه به ناهنجاری مبدل کرد که از جمله این ناهنجاری‌ها، متروکه شدن، تغییر کاربری و بلا تکلیفی واحدها، امنیت، بهداشت و بالاخص بر هم خوردن سازمان اجتماعی و ارزش موجود در این بافت‌ها بود. از سوی دیگر مناقشه میان دو مفهوم «حفاظت» و «توسعه» در سطوح کارشناسی و فقدان سیاست‌های مدون به واسطه تعدد مراکز تصمیم‌گیرنده و اقدامات کمی آن‌ها منجر به تخریب بیشتر این محدوده‌ها گشت. با این حال بافت‌های تاریخی فرسوده شهرها به جهت موقعیت و پتانسیل‌های فضایی-اجتماعی خود با حفظ مفهوم محله، از یک سو می‌توانند بستر توسعه درونی و انسجام حیات شهر شوند و از سوی دیگر با حفظ منظر عینی-ذهنی خود، «خاطره شهر قدیم» را برای آیندگان زنده نگه دارند.

محله عودلاجان ۱۱۰ هکتار از مساحت بافت تاریخی تهران را شامل می‌شود که در پی برقراری امنیت اجتماعی و به بهانه پاک‌سازی و ساماندهی منطقه تاریخی عودلاجان و همچنین به موازات تهیه طرح ساماندهی محله، بنیاد تعاون ناجا با راه اندازی دفتر تملک در محله، شروع به تملک خانه‌ها و واحدهای تجاری ساکنان نمود. از سوی دیگر، عده‌ای از ساکنان خانه‌های خود را به شهرداری یا کارگزار آن واگذار کردند. این واحدها که به صورت نیمه مخروبه و متروکه باقی ماند، به تدریج مشکلاتی برای ساکنان ایجاد کرد و تبدیل به مکان‌هایی برای انواع خلاف‌ها، بزهکاری‌ها و آلودگی‌های زیست محیطی شد. به دنبال اعتراض ساکنان و برای رفع این مشکلات،

واحدهای تملک شده یا کاملاً تخریب و آسفالت و یا مقابل ورودی‌های آنها دیوارهای مرتفعی احداث شد. این تخریب‌ها که بدون برنامه دقیق و توجه به ارزش‌های بناها و بافت تاریخی صورت گرفت، موجب گسستگی و انفصال بافت محله شد. در حقیقت ایجاد فضاهای باز وسیع تعریف نشده و فاقد نظارت اجتماعی، موجب ایجاد انواع معضلات شد، که در حال حاضر ۶ هکتار از بافت تاریخی این منطقه با خاک یکسان شده است.

۱-۱-۱-۱- طراحی مسکن

با قبول نیاز مبرم به تکامل معماری مسکن سنتی می‌بایست برای تعریف مسکن مطلوب معاصر چاره‌اندیشی نمود. خانه سنتی با توجه به تمامی شرایط و نیازهای انسان آن روز، مناسب و درخورشان بود. حال که شرایط تغییر یافته، باید گونه و الگوی جدیدی از مسکن طراحی گردد که پاسخگوی نیازهای انسان معاصر باشد. موفقیت خانه سنتی در آرامش و رضایتمندی ساکنان آن بود. حال که هم نیازها و هم شیوه زندگی تغییر یافته، راه حل جدیدی برای غلبه بر مشکلات زندگی پرفشار و پرشتاب کنونی نیاز است. «آنچه در ایران در چهار دهه گذشته رخ داده، عبارت است از گنجاندن مفهوم زندگی در عملکرد و تقلیل مفهوم عملکرد به یکی از نیازهای بیولوژیک مانند خواب و خوراک. فضا در این فرایند نقش خود را از دست داده است» (مازندرانی، ۱۳۸۸).

یکی از شرایط طراحی مسکن معاصر به دلیل غلبه اقتصاد و توانایی مالی افراد، گسترش عمودی است. فشردگی و تراکم بالای شهرهای مدرن کنونی، احداث مجتمع‌های مسکونی آپارتمانی را اجتناب‌ناپذیر ساخته است. آپارتمان‌نشینی یکی از نمادهای زندگی معاصر است. این شیوه زندگی که متناسب با زندگی پرشتاب و سریع است، ولیکن به دلیل تعددی همچون عدم تجانس فرهنگی ساکنان، اجبار توان مالی در انتخاب محل سکونت، «ارتباط عمودی و رفت‌وآمد پر سروصدا در آن، انتقال صدای بازی و پریدن کودکان از سقف طبقات بالاتر به پایین‌تر، رسیدن صدای همسایگان از ورای دیوارهای جداکننده، دید از پنجره واحدهای بالاتر به پایین‌تر، دردسرهای بهره‌گیری از فضاهای مشاع و بسیاری موارد دیگر دستاوردهای اجتناب‌ناپذیر مسکن جدید و مصداق‌های سلب آسایش همسایگان توسط همدیگر و نهایتاً عدم آسایش و آرامش آنها در آپارتمان‌های مسکونی و برخورداری از یک زندگی رضایت‌بخش است (جانی پور، ۱۳۷۹). خانه سنتی به واسطه آزمون و خطاهای بسیار به آن درجه از پایداری رسیده که آرامش و رضایت را در معنای واقعی خود برای ساکنان به همراه داشته و این همان قطعه گمشده زندگی معاصر است. حال آنکه واحد مسکونی معاصر هنوز نتوانسته متناسب با تغییر شیوه زندگی، الگوی مناسبی را ارائه دهد.

۱-۱-۱-۲- مداخله در بافت‌های تاریخی

موضوع طراحی مسکن در بافت تاریخی عودلاجان تهران از یک سو نیازمند شناخت انسان معاصر و شیوه زندگی اوست و از سوی دیگر طراحی در بستر تاریخی استانداردها و ضوابط طراحی مشخصی را میبایست رعایت کند. طراحی در محدوده‌های تاریخی شهرها به واسطه ارزش‌های ملی و جهانی این محدوده‌ها، چالش‌های اجتناب ناپذیری را باخود به همراه دارد. توجه به این نکته که میراث فرهنگی ملت‌ها، بخشی از میراث فرهنگی بشری را تشکیل می‌دهد، توجه به ارزشهای موجود در بافت‌های تاریخی شهرهای ایران را در دستور کار طراحان و مرمتگران قرار می‌دهد.

زمانی این بافت‌ها پذیرای جمعیتی بوده که در آن زندگی میکردند ولیکن پیشرفت‌های سریع و جهش‌های ناگهانی فناوری مانع از شد که این بافت‌ها بتوانند خود را با سرعت این تغییرات هماهنگ کنند و در نتیجه دچار فرسودگی و آسیب‌های فراوانی شدند. مجموعه‌ای از عوامل مختلف حیات شهری این بافت‌ها را مختل کرد. «عوامل اقتصادی که رکود فعالیت‌ها و سکونت اقشار کم درآمد را به همراه داشته و موجب افت قیمت زمین و مسکن و توقف ساخت و ساز در این مناطق می‌گردد. عوامل اجتماعی- فرهنگی که مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی فرهنگی از علائم آن است. عوامل کالبدی که ناپایداری ابنیه و ناکارآمدی زیرساخت‌ها از نشانه‌های آن به شمار می‌رود. عوامل زیست محیطی که انواع آلودگی (هوا، آب و آلودگی‌های صوتی و بصری) و نیز کمبود پوشش گیاهی و عناصر طبیعی را شامل میشود. هنگامی که حیات شهری در محدوده‌ای از شهر، به هر علتی رو به رکود می‌گذارد و کوششی جهت رونق مجدد آن صورت نمی‌گیرد، بافت شهری آن محدوده در روند فرسودگی قرار می‌گیرد. زمینه‌های موثر در ایجاد فرسودگی محیط‌های شهری، ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، زیست‌محیطی، حقوقی و مدیریت شهری را شامل می‌شود. عوامل حقوقی و مدیریتی که عمدتاً به دلیل ناکارآمدی مدیریتی و سازمانی، ناکارآمدی طرح‌ها، برنامه‌ها، شیوه‌ها، روش‌های اجرایی، ضعف و نارسایی قوانین، ضوابط و مقررات مورد توجه قرار می‌گیرد» (عندلیب، ۱۳۸۶).

با وجود تاریخ طولانی شهرنشینی در ایران، بهسازی و احیاء بافت‌های تاریخی، مسأله‌ای جدید می‌باشد و سابقه چندان طولانی ندارد، اگر چه آغاز فعالیت‌های شهرسازی در ایران حدود سال ۱۳۱۲ ه.ش یک سال قبل از طرح جامع آمستردام می‌باشد (مزینی، ۱۳۷۱)، اما سابقه پرداختن به موضوع ساماندهی و احیاء بافت‌های تاریخی آن هم به شکل آکادمیک و منسجم مربوط به چند دهه اخیر و به خصوص پس از تغییر نام وزارت آبادانی به مسکن و شهرسازی در سال ۱۳۵۱ ه.ش می‌باشد که در این دوره زمانی توجه به حفاظت و احیاء بافت‌های قدیمی در مجامع علمی مطرح می‌گردد و با برپایی اولین سمینار در این زمینه در سال ۱۳۵۰ در دانشگاه تهران توجه جدی به این قضیه آغاز می‌

شود (مجموعه مقالات بافت قدیم، ۱۳۷۲) طرح‌ها و گزارشات فراوانی در این زمینه ارائه شده که علاوه بر برگزاری این سمینار می‌توان به فعالیت مطالعاتی و طرح‌های احیاء بافت قدیم شهری در ایران که تاکنون انجام شده، اشاره نمود. اولین اقدام مطالعاتی از سال ۱۳۴۸ و درمورد بافت قدیم شهر یزد به سرپرستی "محمود توسلی" انجام گرفته، طرح بعدی "طرح بهسازی محله‌های فرسوده تهران" (بازار و عودلاجان) است که در سال ۱۳۵۹ تهیه شد. حدود سال ۱۳۶۳ مجموعه طرح‌های روان بخشی در بافت‌های قدیم شهرهای ایران به واسطه وزارت مسکن و شهرسازی در چند شهر به اجرا درآمد. (رهنما، ۱۳۷۵).

۱-۱-۱-۳- قلمرو میانی

«فضاهای معماری در عین حال که می‌توانند بر عمق و وسعت تجارب ما بیفزایند و به زندگی معنی و رنگی تازه بخشند، میتوانند یادآور خاطراتی باشند که تنی چند از آدمیان در بخشی از زندگی خویش به صورت مشترک به یاد می‌آورند. خاطره بیش از آنکه منوط به زمان باشد در بند مکان است. زیرا آنچه که زمینه شناخت انسان است، مجموعه ای پیاپی از توقف‌های ذهنی او در فضا است. لذا خاطره عامل تشدید تعلق مکانی است و حتی می‌تواند این تعلق را به تعلق خاطر بدل نماید» (قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۳) احساس تعلق به مکان از مهم‌ترین عوامل همبستگی و پایداری اجتماع‌های انسانی است. لذا مکان‌هایی که ظرفیت خاطره‌انگیزی را داشته باشند، به طور بالقوه می‌توانند بر پایایی نظام‌های اجتماعی موثر باشند. از این رو این مکان‌ها باید واجد کیفیت‌هایی باشند که زمینه خاطره‌انگیزی و حس تعلق را افزایش دهند. این مکان‌ها جزو قلمروهای میانی انسان‌ها محسوب می‌شوند. همانطور که پیش از این اشاره شد، از ویژگی‌های مسکن معاصر غلبه اقتصاد و تفکر حداکثر استفاده از حداقل فضا است. «محله‌های قدیمی ایران، یک واحد اجتماعی منسجم با تعاملات اجتماعی بالا بوده اند که در کنار توجه به عملکردهای مادی، نیازهای روحی و روانی ساکنان را از طریق تعاملات اجتماعی، پاسخگو بوده است. برخی از مهمترین ویژگی‌های محلات قدیمی ایران مشتمل بر حس تعلق قوی محله‌ای، روابط و همبستگی بالای اجتماعی، حریمیت و توجه به سلسله مراتب کالبدی و عملکردی و ... می‌باشد» (سلطان زاده، ۱۳۶۷). هر محله به دلیل حریمیت و سلسله مراتب، حوزه قلمرویی قشر خاصی از اهالی را تشکیل می‌دهد. در مقایسه با محله مطلوبی که در آن تعاملات اجتماعی ساکنان برقرار باشد و آسایش فیزیکی مطلوبی نیز فراهم باشد، مشارکت ساکنان در بهتر شدن محیط سبب ایجاد حس تعلق و مالکیت بر فضای مجموعه شده و به نوعی محیط برای ساکنان تصویر ذهنی ایجاد کرده و هویت خود را در اذهان ساکنان برجای می‌گذارد. این مکان قلمرو نیمه خصوصی ساکنان محسوب شده و نظارت اجتماعی را در پی خواهد داشت.

۱-۱-۲- دلیل و اهمیت موضوع پژوهش و طراحی

همانطور که پیشتر بیان شد، دگرگونی شیوه زندگی انسان سنتی به معاصر، تکامل طراحی مسکن را نیز ضروری می‌سازد. در این روند آنچه تغییر کرده می‌بایست شناخته و متناسب با آن طرح معماری ارائه شود. اگرچه واحد مسکونی معاصر بسیاری از فضاهای موردنیاز را ندارد و تعداد فضاهای آن اندک، خلاصه و محدود شده است و بسیاری از آنها متناسب با جمعیت ساکن، فضای کافی ندارد. در یک جمع‌بندی می‌توان اینگونه بیان کرد که یکی از اساسی‌ترین نیازهای ساکنان مجموعه‌های مسکونی معاصر که نادیده انگاشته شده است، قلمرو امن محلات است. انسان نیازمند آرامش، احساس امنیت در زندگی خصوصی خود و محترم شمرده شدن قلمرو خویش از جانب دیگران است و ساماندهی محیط زندگی وی، جز از طریق اتخاذ شیوه‌های صحیح در مشخص ساختن عرصه‌های خصوصی و عمومی زندگی او و ایجاد سلسله مراتبی دقیق برای نظارت بر قلمروهای ثانویه (میانی) حاصل نخواهد شد.

« اکثر معابر و فضای عمومی محلات ما که کانون تعاملات اجتماعی ساکنان محله و عامل ارتقای یک بافت به محله بودند، در حد مجاری عبوری تنزل مقام یافتند و زندگی اجتماعی از آنها رخت بریست و نخستین نشانه آن عدم حضور افراد در سطح محله است. این امر به دلیل تولد بافت های شطرنجی فراگیر و گسترش یابنده‌ای است که بخش اعظمی از شهرهای ما را تشکیل داده و گاه بی‌گانه در قالب یک شهر جدید نیز سر بر می‌آوردند. این شبکه محصول تعامل دو دلیل اصلی است: یکی ورود خودرو به زندگی شهرنشینان و دیگری تغییر تفکر حاکم بر ساخت و ساز دانه‌های شهری. نتیجه این شد که در محله‌های امروزی زندگی یا در عرصه خصوصی و پنهان از اغیار می‌گذرد یا به شتاب در میان عرصه عمومی جریان دارد، یکی از دلایل این آسیب آن است که در میان بافت شطرنجی فعلی، بستری برای تجمع و زندگی جمعی انسان‌ها لحاظ نشده و طبیعتاً چنین شرایطی فراموش شدن زندگی اجتماعی را تسریع می‌کند. زیرا تجمع نیازمند مکث است و مکث محل سهل و سریع سواره در نظام شطرنجی و معارض با فلسفه وجودی این شبکه است» (قاسمی اصفهانی، ۱۳۸۳). از سوی دیگر انتخاب محل سکونت دیگر متناسب با هنجارهای فرهنگی صورت نمی‌گیرد، بلکه این توان مالی ساکنان است که آنها را اسکان می‌دهد و گاه به صورت موقت نیز اسکان می‌یابند. در نتیجه حساسیت کمتر و تعلق کمتری به محیط احساس کرده و میزان مشارکت آنها در حفاظت از قلمروهای میانی را کاهش می‌دهد. این امر در محدوده‌های تاریخی شهرها به مراتب بغرنج‌تر است، «عدم دخالت به موقع در بافت‌های تاریخی، هماهنگ نکردن این بافت‌ها در برابر اتومبیل و مرمت نکردن آنها بود. نتیجه آن شد که در مقابل انتخاب اتومبیل یا بافت تاریخی، اتومبیل برگزیده شد و در مقابل پیدایش جلوه‌های جدید شهری، خیابان، آسفالت، چراغ برق و ... ، بافت

تاریخی مورد جراحی قرار گرفت و این یکی از مهم‌ترین پدیده‌های تغییر شیوه زندگی بود که «تعویض» بر جای «ترمیم» نشست» (فلامکی، ۱۳۸۴). هرچند که بسیاری از محدوده‌های تاریخی شهرها از زیرساختی که بتواند از کاربری‌های مسکونی آنها حمایت کند، بی‌بهره‌اند و ساکنان اصلی آن مهاجرت کرده‌اند، اما بافت سنتی محله‌های تاریخی زیبا، قابل درک و خاطره‌انگیز بوده و هنوز هم زندگی روزمره آن قابل تصور است.

۱-۱-۳- سوالات اصلی و فرعی پژوهش

روش‌های طراحی مسکن در بافت تاریخی در چالش میان حفاظت و توسعه آستن مشکلات و معایب بسیاری است. الگوهای مداخله در بافت‌های تاریخی ایران هنوز نتوانسته است رویکرد جامع و مشخصی را برای احیای بافت‌های تاریخی به ویژه توسعه درون‌زای زمین‌های بایر ارائه دهد. همچنین الگوی مداخله و طراحی نیز تعریف نشده است. تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سه سوال اصلی است که:

- ۱- چگونه کیفیت محلات مسکونی شهر سنتی منجر به پایداری اجتماعی و تامین رفتار قلمروپایی ساکنین شده و حیات مدنی را به نحو مطلوبی تداوم بخشیده است؟
- ۲- اصول طراحی مسکن در بافت‌های تاریخی از منظر توجه به قلمروهای ثانویه (میانی) دارای چه ضوابط، استانداردها و قابلیت‌هایی است؟
- ۳- آیا کیفیت خاطره بافت‌های تاریخی هنوز قابلیت تبدیل شدن به مکان‌هایی پویا برای زندگی معاصر را دارد؟

در ادامه پیرامون مطلوبیت مسکن سوالات فرعی زیر مطرح می‌شود:

- اجزای خانه سنتی شامل چه فضاهایی بوده است؟
 - اجزا واحد مسکونی معاصر چه فضاهایی را دربر می‌گیرد؟
 - چگونه فضاهای گمشده خانه سنتی قابلیت استفاده در شرایط معاصر را دارند؟
 - چگونه می‌توان خاطره فضایی خانه سنتی را در واحد مسکونی معاصر احیا نمود؟
- در نهایت این موضوع مهم مطرح می‌شود که در مقایسه بین خانه سنتی و واحد مسکونی معاصر ناخودآگاه مسکن مطلوب در خاطره فضایی معماری تاریخی گذشته جستجو شده و این سوال نهفته قابلیت طرح می‌یابد که:
- تفاوت شیوه زندگی انسان سنتی با انسان معاصر چه تغییراتی را در طراحی فضای معماری معاصر ایجاد خواهد کرد؟

۱-۱-۴- فرضیه‌های پژوهش

طرح معماری می‌بایست به نیازهای انسان پاسخ گوید. این پاسخگویی در طرح خانه‌های سنتی به شیوه مناسب خود انجام شده است. با این پیش فرض که: «شیوه زندگی انسان‌ها تعیین کننده نوع مسکن مورد نیاز آنها می‌باشد»، به این فرض مهم می‌رسیم:

« انسان سنتی در طول زمان مسکن خود را مطابق با نیازها به نحوی مطلوب در خانه سنتی برطرف نموده است».

با قبول این فرض که «مسکن، باید مطابق با نیازهای انسان تکامل یابد»، این نتیجه حاصل می‌شود که در طراحی مسکن باید ابتدا به شناخت مطلوبی از شیوه زندگی انسان معاصر دست یافته و سپس به طراحی مسکن اقدام شود. پس طرح این فرضیه که:

«هدف از طراحی مسکن رسیدن به آرامش و رضایت خاطر ساکنان است».

را می‌توان اینگونه توضیح داد که، به دلیل تفاوت‌های زندگی آرام سنتی در مقایسه با زندگی پرشتاب کنونی، کلیه جنبه‌های زندگی معاصر دگرگون شده و قابلیت تطبیق آن با گذشته را از دست داده است. ولیکن آنچه تغییر نکرده: نیاز به مکانی برای آرامش است. مکانی که در آن «رضایت خاطر» و «امنیت» وجود داشته باشد. پس به این فرضیه می‌رسیم که:

«محل‌های مسکونی گذشته قلمرویی امن برای خانه‌های مسکونی بودند»

به واقع محل‌های مسکونی واقع در شهرهای سنتی گذشته، محدوده‌های تاریخی فعلی شهرهای معاصر را تشکیل می‌دهند. این محدوده‌ها به جهت موقعیت و پتانسیل‌های فضایی- اجتماعی خود با حفظ مفهوم محله، از یک سو می‌توانند بستر توسعه درونی و انسجام حیات شهر شوند و از سوی دیگر با حفظ منظر عینی-ذهنی خود، «خاطره شهر قدیم را احیا کنند». همچنین برخی از فضاهای محله سنتی از معماری کنونی مجتمع‌های مسکونی فعلی حذف شده است. این فضا باعث گم شدن هویت فضایی و عدم ایجاد حس تعلق به مکان شده است.

فضاهای میانی (ثانویه) در محل‌های سنتی قلمرو مشخصی برای ساکنان هر محله ایجاد می‌کرده و باعث تشخیص آن از سایر محلات می‌شده است.

این فضاها در عین عمومی بودن، فضاهای نیمه خصوصی و متعلق به گروه خاصی از مردم بوده و از این طریق هویت محله شکل می‌گرفته است.

۱-۱-۵- تعریف مفاهیم اصلی و واژگان

مهمترین واژه ای که در این رساله نیاز به توضیح دارد واژه «قلمرو میانی» است. «بنا به عقیده لنگ؛ قلمرو، یک فضای محدود شده است که یک شخص یا یک گروه برای حفاظت اعضای خود،

استفاده و تعریف می‌کند. قلمرو، توسط "مکان" شناسایی می‌گردد و توسط حالت مالکانه معنادار می‌شود» (مستغنی، ۱۳۸۸). اما نوعی دیگر از مالکیت نیز مطرح است. «همواره مکان‌هایی وجود دارند که هویت آنها به همگان مربوط است و چنین فضا‌هایی، قلمرو عمومی واقعی محسوب می‌شوند و به نوعی در مالکیت سمبلیک همگان قرار دارند» (Lynch, ۱۹۸۱). قلمروهایی نیمه عمومی - نیمه خصوصی که هرچند در مالکیت شخص یا گروهی از اشخاص نیست، ولیکن به نوعی آنرا متعلق به خود می‌دانند و از آن محافظت می‌کنند.

واژه مهم دیگر که نیاز به تعریف دارد، عبارت «بافت تاریخی» است. این واژه حوزه عام پژوهش را مشخص می‌کند. در کنار این واژه، واژگانی همچون «محدوده تاریخی» و «بافت فرسوده» نیز مطرح میشوند که دارای تفاوتها و اشتراکات معانی هستند. «بافت تاریخی محدوده‌ای از بخش مرکزی شهر شامل اصلی‌ترین بناها و اثرها و «یادمان‌های تاریخی» در قالب محله‌های قدیمی می‌باشد که دارای ارزش هویتی- فرهنگی بوده و از بخش‌های دیگر شهری متمایز است. به عبارت دیگر، بخشی از یک شهر است که با دارا بودن نمادها، یادمان‌ها و ساختمان‌های تاریخی حائز اهمیت می‌باشد و «میراث تاریخی» یک شهر را در خود جای داده است. این بخش معمولاً در محدوده قدیمی شهرها واقع گردیده است و علاوه بر در بر گرفتن ناحیه قدیمی (Old area)، بناهای دارای ارزش تاریخی این بخش را نیز مرمت و ساماندهی نموده و از آنها محافظت به عمل می‌آورد» (استیون تائیسدل و تنراک، تیم هیث، ۱۳۹۰). در مجموع آنچه در این پژوهش مدنظر است، زمینهای بایر و مخروبه‌ای است که در میان محدوده تاریخی محله عودلاجان تهران تبدیل به یک معضل اجتماعی شده و موجبات گسست در ساختار تاریخی محله شده است.

مفهوم مسکن به عنوان مامن، بر ضد سرما، گرما، اختلالات هوا، سروصدا و دیگران است. مفهوم مسکن به عنوان آتش یعنی کانون خانواده برای تغذیه کردن، حفاظت کردن، تنها بودن، استراحت کردن و مجتمع شدن است. مفهوم مسکن به عنوان طبیعت، برای تأمین داشتن از آفتاب، فضا، سبزی، خرمی و آرامش است. (میاواکی، ۱۳۷۶: ۶ و ۷) در مجموع مسکن به عنوان یک مکان فیزیکی و به عنوان سرپناه، نیاز اولیه و اساسی خانوار به حساب می‌آید. در این سرپناه، برخی از نیازهای اولیه خانوار یا فرد تأمین می‌شود؛ مانند خواب، خوراک، استراحت، حفاظت در برابر شرایط جوی و خلاصه شرایط زیست در مقابل طبیعت. (اهری، ۱۳۷۰: ۷) اما واژه سکونت، مفهوم گسترده تری از مسکن دارد و منظور از آن، مجموعه‌ای از فعالیتهای زیستی خانوار است. فعالیتهای زیستی خانوار در اینجا، فعالیتهای فردی و جمعی را از یک سو و فعالیتهای اجتماعی- اقتصادی را از سوی دیگر دربرمی‌گیرد. مفهوم سکونتگاه، در برابر مسکن، محلی است که تمامی خدمات و تسهیلات

ضروری برای بهزیستی خانواده را فراهم می‌سازد؛ مانند بهداشت، آموزش، فرهنگ، روابط اجتماعی، بدون توجه به اهمیت و میزان این خدمات. (اهری، ۱۳۷۰: ۷)

۲-۱- محدودیت‌ها و چارچوب موضوع

۱-۲-۱- توسعه‌های جدید در محدوده‌های تاریخی

«در حالی که بهسازی بافت موجود تاریخی محله در اولویت است، توسعه جدید در محله های تاریخی شهری الزامی است، به ویژه اگر بناها در عرصه کالبدی یا ساختاری فرسوده شده باشند، اینها معمولاً - اما نه همیشه- «توسعه‌های میان افزا» هستند» (استیون تایسدل و تنر اک، تیم هیث، ۱۳۹۰). توسعه های جدید در قالب بازسازی بناهای موجود، در جایی که بتوان فضا و شکل تاریخی شهر را دست نخورده نگه داشت، به کار میرود. در این روش عموماً باید توده‌یی شدن کلی، شکل و «محل» بناهایی را که قبلاً مکان را اشغال نموده‌اند، حفظ کنند. سپس براساس ضوابط و استانداردهای جهانی موجود در زمینه مرمت معماری و شهری به طراحی بنایی جدید اقدام کنند. تجارت مداخله و توسعه های میان افزا راه حل‌های متعددی را برای چگونگی و روش اقدام برای طرح جایگزین پیشنهاد داده است.

عودلاجان یکی از پنج محله تاریخی شهر تهران است که در حال حاضر از سه بخش شرقی (امامزاده یحیی)، میانی (پامنار) و غربی (ناصر خسرو) تشکیل شده است. این محله در دهه های اخیر به دلیل نفوذ بازار با تغییرات ساختاری و کارکردی شدیدی مواجه شده است و با معضلاتی همچون از هم گسیختگی سازمان فضایی قدیمی محله، فرسودگی شدید کالبدی بناها، بی توجهی به بناها و بافت تاریخی محله و تخریب آنها، ترک محله از سوی ساکنان اصیل و جایگزینی مهاجران و کارگران، تبدیل واحدهای مسکونی به کارگاه و انبار و نیز وجود زمین‌های مخروبه و بایر وسیع که زمینه ساز ایجاد معضلات اجتماعی بوده و موجب گسست در بافت محله شده‌اند مواجه است. سایت در نظر گرفته شده برای پروژه واقع در عودلاجان میانی (پامنار) است که بخش‌های وسیعی از زمین‌های بایر ذکر شده در بالا را شامل می‌شود. به دنبال تحقق بخشیدن به فرضیه تحقیق که زنده نگهداشتن خاطره شهر قدیم برای آیندگان را نیز شامل می‌شود، سایت پیشنهادی نزدیک خیابان‌های پامنار، گذر آقاموسی تاجر و سه راه دانگی در نظر گرفته شده که در ایجاد شخصیت و حفظ خاطره بافت تاریخی تاثیرگذار است. این سایت مساحتی در حدود یک هکتار را شامل می‌شود که در حال حاضر مالکیت آن در دست بنیاد تعاون ناجا می‌باشد. شیوه اقدام و روش طراحی که مدنظر این رساله است، مبتنی بر حفظ خاطره بافت قدیم، توجه به گذرهای تاریخی و احیای آن و در نهایی در نظر گرفتن مقتضیات معاصر خواهد بود.